

اعظم سادات

یزدان پرست *

فصلنامه علمی تخصصی

اسلام شناسی

پاییز ۱۴۰۰ - شماره ۷۲

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۵/۲۳

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۹/۰۸

بررسی ازدواج در کتاب مقدس (یهود)

چکیده:

با توجه به اینکه یهودیت، شریعتی آسمانی است و در بین ادیان الهی بیشترین شباهت را به اسلام دارد و از آنجا که ازدواج از مسائل مهم و مورد نیاز جوامع انسانی می‌باشد، برای پاسخ به این پرسش که دیدگاه کتاب مقدس و یهودیان نسبت به این مسئله چگونه است؟ و برای بررسی احکام و آیین‌های موجود در دین و فرهنگ یهود، این تحقیق به قلم نگارش درآمده است.

این نوشتار با شیوه توصیفی-تحلیلی و به روش کتابخانه‌ای تحت عنوان «بررسی ازدواج در کتاب مقدس (یهود)» نگاشته شده است. ابتدا بعد از بررسی واژه ازدواج و مفهوم آن نزد یهودیان، درباره اهمیت و جایگاه آن هم بررسی شده است و سپس به مباحثی مانند انواع ازدواج، چند همسری، ازدواج‌های ممنوع و اجباری در این دین پرداخته شده و در نهایت مروری بر آیین‌های مرسوم بین یهودیان صورت گرفته است.

واژگان کلیدی: ازدواج، کتاب مقدس، مهریه، تعدد زوجات.

*دانش آموخته سطح ۳ حوزه علمیه خراسان

طرح بحث

در همه‌ی ادیان و فرهنگ‌های بشری ازدواج امری مسلم و پذیرفته شده است. حدیث پیامبر (صلی‌الله علیه و آله و سلم) مبنی بر اینکه برای هر قومی نکاحی است (حرعاملی، ۱۳۶۷: ج ۲، ص ۲۲۲) تأییدی بر این مطلب است اما از آنجا که اختلافاتی در ادیان و فرهنگ جوامع وجود دارد، در هر دین و جامعه‌ای تفاوت در احکام، آداب و سنن مربوط به آن طبیعی و معقول است.

الف. مفهوم شناسی

ازدواج در لغت به معنای جفت شدن و جفت گرفتن و در اصطلاح به معنای تنظیم دو به دویی اشیاء است. (دهخدا، ۱۳۳۷: واژه ازدواج)

در احکام اسلامی ازدواج با لفظ نکاح بیان شده است. واژه نکاح در لغت به معنای تقابل است و در اصطلاح نکاح رابطه‌ای است حقوقی-عاطفی که بوسیله عقد بین زن و مرد حاصل می‌گردد و به آنها حق می‌دهد با یکدیگر زندگی و رابطه داشته باشند که مظهر بارز آن حق تمتع جنسی است. در اسلام ازدواج باعث کمال انسان و به منزله نیمی از دین معرفی شده است.

در دین یهود مراسم مذهبی عقد در زبان عبری، «قیدوشین» گفته می‌شود که از ریشه «قیدوش» به معنای «تقدیس بخشیدن» و «مقدس کردن» است. این واژه، مفهوم ازدواج و هدف از تشکیل خانواده را از دیدگاه تورا نشان می‌دهد. در واقع از نظر تورا، ازدواج عملی است که با آن، زن و مرد برای یکدیگر تقدیس می‌شوند تا مقدس‌ترین هدف‌های زندگی را به کمک یکدیگر دنبال نمایند.

اهمیت ازدواج در یهودیت، توافقی میان دو انسان برای زندگی مشترک در قالب خانواده است که در ضمن آن طرفین برای رعایت اصول عقد ازدواج متعهد می‌شوند. از آنجا که این عمل آیینی مقدس نیست، به «تقدیس کاهنانه» یا «خاخامی» نیازی ندارد. حقوق تلمودی مقرر می‌کند که اگر مرد و زنی قصد ازدواج داشته باشند، تنها کاری که مرد باید انجام دهد آن است که در حضور دو شاهد خطاب به زن بگوید که او از اکنون بر اساس یکی از راه‌های پذیرفته



شده برای ازدواج، یعنی پرداخت نمادین مقداری پول، دادن ضمانت کتبی یا انجام دادن نزدیکی جنسی، همسر او شده است. هنگامی که این کار با توافق طرفین انجام پذیرد، ازدواج محقق می شود. (اشتاین سالت، ۱۳۸۳: ص ۱۹۳)

۱. نگاه کلی به ازدواج در یهود

بر یهودیان واجب است که براساس فرمان «بارور و کثیر شوید» (پیدایش ۱:۲۲، ۹: ۱) ازدواج کنند و دست کم دو فرزند (یک پسر و یک دختر) بیاورند. مراسم ازدواج زیر یک حجله (حوپا) انجام می‌گیرد و داماد در حضور دو شاهد حلقه‌ای را به عروس می‌دهد و می‌گوید:

«اکنون تو با این حلقه بر اساس شریعت موسی و اسرائیل بر من محرم می شوی» (در واقع، تقدیس می شوی)

پیش از این، دعای برکت شراب و برکت مراسم ازدواج خوانده می شود و سند ازدواج (کتوبا) خوانده می‌شود و پس از آن دعای برکت دیگری بر شراب و دعا‌های برکات هفت گانه‌ی ازدواج خوانده می‌شود. آن گاه [در بعضی جماعت‌ها] زوجین با هم در اتاقی خلوت می‌کنند (بیحود) و با این کار مراسم ازدواج تکمیل می‌شود. برای ابطال ازدواج، زوجین باید مراسم دینی طلاق را اجرا کنند؛ در این مراسم شوهر یک سند مکتوب خاص طلاق (گط) به همسرش می‌دهد. (هیلنز، ۱۲۸۵: ص ۲۵)

۲. اهمیت و جایگاه ازدواج در دین یهود

ازدواج و تشکیل خانواده یک فریضه‌ی دینی به شمار می‌آید. در نخستین فرمان از ۶۱۳ فرمان تورا مقدس، خداوند به آدم فرمان داد که صاحب اولاد شود تا آن‌ها نام خدا را ذکر کنند. دانشمندان یهود به امر ازدواج اهمیت بسیار می‌دهند و درباره‌ی اجرای آن، تأکید فراوان می‌کنند. در تلمود آمده است:

«هر کس زن ندارد از شادمانی و برکت و نیکی محروم است.»

در کتاب پیدایش فصل ۲ آیه‌ی ۱۸ می‌فرماید:



«خداوند فرمود خوب نیست که آدم تنها باشد، پس برایش یاری در مقابل او درست کنم.»
در آیه ۲۵ هم می‌فرماید:

«از این سبب مرد، پدر و مادر خود را ترک کرده به زن خویش می‌پیوندد و یک تن حساب می‌شوند.»

بنابراین دانشمندان یهود گفته‌اند هر کس زن ندارد، یک آدم کامل به تمام معنی نیست.

ازدواج یک امر مهم و اساسی است چنان که در میشنا مگیلا آمده است:

«انسان مجاز است یک سفر تورا بفروشد و با پول آن هزینه‌ی ازدواج خود را فراهم سازد، همان طوری که انسان مجاز است برای تحصیل تورا (علم و دانش) نیز به فروش تورا مبادرت کند.» مقام و مرتبه‌ی فریضه‌ی زناشویی، بسیار عالی است. (دلرحیم، شماره ۳۵، پاییز ۱۳۸۷)
ازدواج در دین یهود، عملی موافق رضایت پروردگار است. خداوند در ابتدای آفرینش به آدم و حوا فرمود:

«بارور شوید و زیاد گردید، زمین را پر نموده و بر آن تسلط یابید. این دعایی است که خداوند، بدرقه راه دختر و پسری که ازدواج می‌نمایند، کرده است.» (پیدایش ۱: ۲۸)

در تعریف ازدواج در قاموس کتاب مقدس آمده است:

«ازدواج اتحاد مردی است با زن خود، از برای خوبی و سعادت طرفین و بقاء و افزایش نوع و جز به علت زنا، افتراقی در میان این دو پدید نشود» (مسترهاکس، ۱۳۷۷: ص ۶۰۵)

بین یهودیان اعتقاد عمومی بر این است که نه تنها عقد ازدواج مرد و زن در آسمان‌ها بسته می‌شود بلکه پیش از تولد طفل مشخص می‌شود، چه کسی همسر وی خواهد بود «چه روز پیش از بسته شدن نطفه طفل، یک پت قول (منادی آسمانی) اعلام میدارد؛ این پسر با فلان دختر ازدواج خواهد کرد یا دختر همسر فلان پسر خواهد شد» (کهن، ۱۳۸۲: ص ۱۸۱)

با توجه به وجود چنین اعتقادی در این شریعت «تا سن بیست سالگی انسان، ذات قدوس متبارک انتظار می‌کشد که ازدواج کند. وقتی که سن او از بیست گذشت و ازدواج نکرد، خداوند او

را نفرین می‌کند و می‌گوید: استخوان‌هایش باد کند.» (کهن، ۱۳۸۲: ص ۱۸۰)



معلوم می‌شود که تسریع در ازدواج مورد پسند بوده و تاکید شده است.

۳. معیارهای انتخاب همسر در یهود

حال که معلوم شد که تشکیل خانواده در دین یهود از اهمیت زیادی برخوردار است طبیعی است که افراد باید در انتخاب همسر دقت و تأمل کنند و از عجله بپرهیزند گفته شده «ازدواجی که از روی بی احتیاطی صورت بگیرد و مردی که استطاعت ندارد مخارج زوجه خود را تأمین کند و وسایل آسایش او را فراهم آورد، اگر زن بگیرد چنین ازدواجی قبیح است» (کهن، ۱۳۸۲: ص ۱۸۰) لذا در شریعت شاخصه‌هایی برای این مهم مشخص شده است. در ادامه به بعضی از معیارهای انتخاب همسر از نگاه آیین یهود اشاره می‌شود:

- ایمان

با توجه به اینکه داشتن فرزندان خدا ترس و متبحر در دانش تورا از بزرگترین آرزو یهودیان است، ایمان و پایبندی به اصول اعتقادی یهود از مهمترین معیارهای انتخابی همسر محسوب میشود.

از آنجا که یهودیان سنتی مخالف ازدواج یهودی با غیر یهود هستند و دلیلشان بر این نظر این است که همسری غیر یهودی هر چقدر هم خوب باشد، قادر نیست به یک فرزند یهودی کمک کند تا بتواند نقشش را که زنده نگهداشتن میراث یهود است، خوب ایفا کند، معلوم می‌شود که دینداری و پایبندی به عقاید یهود از عالی ترین معیار ازدواج است.

این جله نشانگر اهمیت این مطلب در بین یهودیان می‌باشد «در آیین ما دین از مادر می‌باشد و همه ما به دلیل یهودی بودن مادرمان، یهودی بوده و به این دین معتقد هستیم. البته یهودی بودن پدر نیز واجب و لازم است اما انتقال دین از مادر است به طوری که اگر یک نفر از مادر یهودی و پدری غیر یهودی متولد شده باشد از نظر ما هر چند یک یهودی کامل نیست اما به هر حال یهودی محسوب می‌شود؛ اما اگر پدر او یهودی باشد حتی اگر بسیار معتقد به مذهب باشد باز اگر مادر غیر یهودی داشته باشد، یهودی محسوب نمی‌شود.» (لاله پور، نشریه افق بینا، تابستان ۹۲)



همین طور این توصیه اخلاقی «کسی که به خاطر ثروت یک زن با او ازدواج کند دارای فرزندی ناشایست و ناخلف خواهد شد» (کهن، ۱۳۸۲: ص ۱۸۰) این موارد حاکی از توجه به اصل ایمان در انتخاب همسر می‌باشد.

- کفویت

در کتاب مقدس آمده است:

«ابراهیم به خادم خود که رئیس نوکرانش بود گفت: دستت را زیر ران من بگذار و به خداوند خدای آسمان و زمین قسم بخور که نگذاری پسر من با یکی از دختران کنعانی ازدواج کند، به زادگاهم نزد خویشانم برو و در آنجا برای اسحاق همسری انتخاب کن» (پیدایش ۲۴: ۴-۲)

توجه به طبقه اجتماعی در امر ازدواج از توصیه‌های این شریعت است یک درجه پایین بیا و آن وقت زن بگیر (مقام همسرت از مقام خودت پایین تر باشد) زیرا که ازدواج با زنی که مقام اجتماعی بالاتری دارد، سبب خواهد شد که زن و بستگانش با نظر تحقیر به شوهر بنگرند. (کهن، ۱۳۸۲: ص ۱۸۲)

- شرافت و اصالت خانوادگی

پاکدامنی، عفت و اصالت خانوادگی از معیارهای همسرگزینی در دین یهود است.

«زن زانیه یا بی عصمت را نکاح ننمایید» (لاویان ۲۱: ۷)

در کتاب مقدس اهمیت این مطلب بیان شده است، مثلاً در خواستگاری شکیم بن حمورا از دینه دختر یعقوب به این ارزش اشاره شده (برادران دینه با ازدواج وی با حمورین شکیم مخالفت ورزیدند؛ زیرا شکیم، دینه را بی عصمت ساخته بود و شایستگی و اصالت خانوادگی را در او نمی دیدند.) (پیدایش ۳۴: ۱۳-۱۴)

همین طور اسحاق هنگام انتخاب همسر در وصف رفقہ می‌گوید

«آن دختر نیکو منظر و باکره بود و مردی او را نشناخته بود» (پیدایش ۲۴: ۱۶-۹)



- زیبایی و حسن جمال

با رجوع به پنج سفر و همچنین در صحیفه های انبیا در کتاب مقدس بعد از جستجو واژه «نیکومنظر» و «خوش منظر» میتوان گفت ظاهرا یکی از ملاکات قابل توجه در انتخاب همسر نیکویی جمال است.

اما در مقابل چنین نیز آمده است: در این مورد در میشنای تعنیت آمده:

«زمانی که بیت همیقداش (معبد مقدس) هنوز برپا بوده، در ۱۵ ماه او دختران اورشلیم همگی با جامه‌ی سفید به خارج از شهر می‌رفتند و در تاکستان‌ها به رقص و پایکوبی می‌پرداختند و به جوانانی که برای انتخاب همسر به آن‌جا آمده بودند چنین می‌گفتند: ای جوان دیده بالا کن و ببین چه کسی را به عنوان شریک زندگی خود برمی‌گزینی، به زیبایی دختر آن قدر اهمیت نده بلکه به فکر نجابت خانوادگی و اصل و نسب او باش.» (دلرحیم، شماره ۳۵، پاییز ۱۳۸۷)

ب. انواع ازدواج (دائم و موقت)

باید دانست «پيله گش» که شبیه ازدواج موقت بوده است در پیشینه یهودیت وجود داشته ولی بعدها تحریم شده است. (غلامی، ۱۳۹۶: ص ۳۲۵)

پيله گش اصطلاح عبری ازدواج با زن درجه دو است که تعهد مالی ویژه و مهریه خاصی ندارد. در این نوع ازدواج زنان ارث نمی‌برند و زن هم جهیزیه نمی‌آورد. طلاقش هم راحت‌تر است. مرد با یک مقدار بخشش مال یا هدیه‌هایی می‌تواند این زن را رها کند؛ اما فرزندانشان فرزند شرعی تلقی می‌شوند، یعنی هیچ تفاوتی با فرزند اصلی ندارند. ولی ارث نمی‌برند. گفته می‌شود عزرای نبی این نوع ازدواج را منسوخ کرده است؛ اما در تلمود آمده است که اگر یک زن یهودی برای مرد غیر یهودی پيله گش شود، باید بیینی‌اش را برید تا زیبایی‌اش از بین برود و دیگر نتواند زن غیر اصلی فرد غیر یهودی بشود. (قدمی، ۱۳۹۱، شماره ۱۷۹، ص ۲۸)

دکتر یونس حمامی در میزگردی که سوم مرداد ۸۶ با عنوان زن در آیین یهود در تهران برگزار گردید، در پاسخ به پرسشی مبنی بر مجاز بودن یا نبودن صیغه در آیین یهود گفت:



«ازدواج موقت در دین یهود وجود ندارد.» (نجاتی، مرداد ۸۶)

همچنین در قسمت پرسش و پاسخ سایت انجمن کلیمیهای تهران این سوال مطرح شده که:

چند نوع ازدواج در دین یهود رایج می‌باشد؟

در جواب ذکر شده فقط ازدواج دائم

۱. چند همسری (تعدد زوجات)

در قسمت پرسش و پاسخ از سایت انجمن کلیمیان تهران آمده است

سوال: نظر یهودیت در مورد تعدد زوجات چیست؟

جواب: با شرایطی تا ۴ همسر مجاز بوده ولی الی رغم مجاز بودن تعدد بین یهودیان معمول نبوده و نیست؛ و امروزه یهودیان تک همسر هستند.

کمال مطلوب باروری و علاقه به داشتن خانواده‌ای قدرتمند، انسان را بر آن می‌داشت که آرزوی آوردن فرزندان زیادی نماید. (داوران ۸: ۳، ۱۲: ۸-۲، پادشاهان ۱۰: ۱)

این امر طبیعتاً به رواج تعدد زوجات منتهی می‌شد. مفسر یهودیت که خانواده تک زوجی را ایده آل می‌داند تعدد زوجات را ننگ شمرده (پیدایش ۲: ۲۴-۱۸) و ریشه‌ی آن را به لمک بربری نسبت می‌دهد. با این وجود رسم گرفتن دو زن (سموئیل ۱: ۲؛ ر.ک تثنیه ۲۱: ۱۵) یا صیغه و کنیز در سراسر کتاب مقدس آشکارا دیده می‌شود.

پادشاهان تعدد زوجات را به خاطر عشق و همچنین به دلایل سیاسی اختیار می‌کردند. در نتیجه اینگونه ازدواج‌ها کم کم حرم‌سراهای بزرگی به وجود آمد.

با این وجود عشق واقعی و منحصر به فرد به هیچ وجه غیر ممکن نبود.

در غزل‌های سلیمان از عشقی صحبت می‌شود که به وضوح تنها در میان دو فرد برقرار است.

این مطالب حاکی از یک تکامل واقعی اخلاق و رسوم می‌باشد. بنابر این در زمان عهد جدید

تک زوجی رسم معمول ازدواج در قوم یهود بود. (محمدیان، ۱۳۸۱: ص ۶۲۳)



تصریح در متن کتاب مقدس به چند همسری ابراهیم، یعقوب، داود، سلیمان و... بر جواز تعدد زوجات در این آیین گواه خوبی است.

نمونه آیاتی از کتاب مقدس که دلالت بر تعدد زوجات دارد:

تثنیه ۲۱: ۱۱

و اگر مردی را دو زن بود، یکی محبوبه و یکی مکروه و محبوبه هر دو برایش پسر بزایند...

پیدایش ۱۶: ۲

پس سارای به ابرام گفت «اینک خداوند مرا از زاییدن باز داشت پس به کنیز من درآی، شاید از او بنا شوم...»

کتاب اول پادشاهان ۱۱: ۳

و او را هفتصد زن بانو و سیصد متعه بود و زنانش دل او را برگردانیدند.

کتاب دوم تواریخ، ۱۳: ۲۱

و ایبا قومی می‌شد و چهارده زن برای خود گرفت و بیست و دو پسر و...

خروج ۲۱: ۱۰

اگر زنی دیگر برای خود گیرد، آنگاه خوراک و لباس و مباشرت او را کم نکند.

بنابراین گرفتن زنان بی شمار در یهود جایز و قید و حصری برای آن نشده و در تلمود آمده که آن قدر زن نگه دارید که قادر به دادن نفقه و کسوه آنها باشید و در تورا نیز از تعدد زوجات صحبت شده ولی شرط گرفتن زن تازه را کم نکردن خوراک و پوشاک و مباشرت با زن سابق قرار داده است.

در تلمود به داشتن حداکثر چهار همسر توصیه شده است. تا قرن شانزدهم میلادی، یهودیان اروپا رسم چند همسری را ادامه دادند. یهودیان شرقی (آسیایی) همواره به رسم چند همسری عمل می‌کردند تا این که وارد اسرائیل شدند و بنابر قانون مدنی آنجا این رسم ممنوع شد، اگرچه



بنابراین شرع مقدس که در چنین مواردی مهمتر از قانون مدنی است، این رسم مجاز است. در کتاب سیری در تلمود آمده که طبق تلمود مرد حق دارد همسران متعددی اختیار کند. البته گفته می‌شود که در حدود سال ۱۰۰۰ میلادی یکی از ربی‌ها تعدد زوجات را ممنوع می‌کند. یعنی به جز موارد خاصی مثلاً نازایی همسر اول، مرد نمی‌تواند همسر دیگری بگیرد؛ اما تعدد زوجات در فرهنگ متقدم یهودیت آشکارا وجود دارد. (قدمی، شهریور ۱۳۹۱: شماره ۱۷۹، ص ۲۸)

۲. مهریه

اصل مهریه مورد پذیرش عهد عتیق است که آن را به عنوان حق زن اعلام داشته است.

در قسمت پرسش و پاسخ سایت انجمن کلیمیان آمده:

سوال: مهریه و نقش آن در شریعت یهود چیست؟

جواب: مهریه به عنوان عامل باردارنده ای از تصمیم عجولانه شوهر نسبت به طلاق و تأمین مالی همسر پس از طلاق یا مرگ شوهر در یهودیت پذیرفته شده است. حداقل مهریه برای دختر باکره حدود یک کیلو نقره و برای زن غیر باکره نیم کیلو نقره است؛ و حداکثر خاصی از نظر شرعی در نظر گرفته نشده است.

مثالی بر وجود مهریه از متن کتاب مقدس

حمور پادشاه حوی از دختر یعقوب به نام دینه برای پسرش شکیم خواستگاری کرد ... آن گاه، شکیم به پدر و برادران دینه گفت: خواهش می‌کنم در حق من این لطف را بکنید و اجازه دهید دینه را به زنی بگیرم. هر چه قدر مهریه و پیشکش بخواهید به شما خواهیم داد (پیدایش ۳۴: ۱۱-۱۲)

و شاول گفت «به داود چنین بگویید که پادشاه مهر نمی‌خواهد جز صد قافله فلسطینیان تا از دشمنان پادشاه انتقام کشیده شود» و شاول فکر کرد و داود را به دست فلسطینیان به قتل رساند.

(اول سموئیل ۱۸: ۲۵)



ج. ازدواج‌های ممنوع در دین یهود

۱. ازدواج با محارم

با توجه به لاویان باب ۱۸ و ۲۲، با این افراد نمی‌توان ازدواج کرد:

- پدر و مادر و جد و جده و خواهر و برادر و فرزندان و نوادگان و عمو و دایی و عمه و خاله
عورت پدر خود یعنی عورت مادر خود را کشف منما؛ او مادر توست. کشف عورت او مکن.
(پدر و مادر)

عورت زن پدر خود را کشف مکن. آن عورت پدر توست. (زن پدر)
عورت خواهر خود، خواه دختر پدرت، خواه دختر مادرت چه مولود در خانه، چه مولود بیرون،
عورت ایشان را کشف منما. عورت دختر پسر و دختر دخترت، عورت ایشان را کشف مکن، زیرا
که اینها عورت تو است. (خواهر و برادر پدري و مادری، نوه دختر و نوه پسری)

عورت دختر زن پدرت که از پدر تو زاییده باشد، او خواهر تو است کشف عورت او مکن.

عورت خواهر پدر خود را کشف مکن، او از اقربای پدر تو است. (عمه)

عورت برادر پدر خود را کشف مکن و به زن او نزدیکی منما/ او به منزله عمه تو است.

عورت عروس خود را کشف مکن، او زن پسر تو است. عورت او را کشف مکن.

عورت زن برادر خود را کشف مکن. آن عورت برادر تو است.

عورت زنی را با دخترش کشف مکن؛ و دختر پسر او یا دختر دختر او را مگیر تا عورت او را

کشف کنی. اینان از اقربای او می‌باشند و این فجور است. (مادر زن و ریبیه)

در ادامه برای روشن شدن بیشتر مطلب، همین آیات با بیانی از خود کلیمیان ایران ذکر می

شود:



هیچکدام از شما با هیچ یک از خویشاوندان نزدیک یعنی محارم اقدام به ازدواج نکنید. من خداوند هستم.

با زن پدرت (نامادری مطلقه) و با مادرت ازدواج نکن. مادرت است با وی همخوابگی نکن

با زن (بیوه‌ی) پدرت همخوابگی نکن ناموس پدرت است.

با خواهرت دختر پدرت یا دختر مادرت خواه فرزند مشروع یا غیرمشروع باشد همخوابگی نکن.

با دختر پسررت یا دختر دخترت همخوابگی نکن چون که ناموس تو هستند.

با دختر زن پدرت متولد از پدرت همخوابگی نکن خواهرت است.

با خواهر پدرت همخوابگی نکن خویشاوند نزدیک (هم‌خون) پدرت است.

با خواهر مادرت همخوابگی نکن خویشاوند نزدیک است (هم‌خون) مادرت است.

با ناموس برادر پدرت که زن عمومی توسط اقدام به همخوابگی نکن.

با عروس همخوابگی نکن زن پسررت است با وی همخوابگی نکن.

با زن برادرت که ناموس برادرت است همخوابگی نکن.

با زنی و دخترش همخوابگی نکن. (پس از ازدواج با او) دختر پسرش و دختر دخترش را نگیر

که با وی همخوابگی کنی. خویشاوند نزدیک هستند عمل زشتی است.

نکته: در نوشتار بالا منظور و مراد از «همخوابگی نکن» ازدواج نکردن با محارم است که

نمونه‌هایی از محارم را هم برشمرده است. (انجمن کلیمیان تهران، ترجمه کتاب مقدس، لاویان

باب ۲۲ http://www.iranjewish.com/Torah/Vaeeghra_F18.htm)

و مردی که با زن عمو یا زن دایی خود همبستر شود با ناموس عمو یا ناموس دائیش

همخوابگی کرده است. خطایشان را به گردن خواهند داشت بی‌فرزند خواهند مرد.

و کسی که زن برادرش را (که بعد از فوت شوهرش بچه‌دار باشد) بگیرد عملش زشت است

با ناموس برادرش همخوابگی کرده است بی‌فرزند خواهند مرد.

با توجه به آیات ذکر شده از کتاب مقدس در اینجا، معلوم میشود که:



در دین یهود زن برادر متوفی (البته به شرط داشتن پسر) و زن دایی و زن عمو متوفی نیز از کسانی هستند که ازدواج با آنها جایز نیست.

اما گفته شده رضاع (شیردادن) سبب حرمت ازدواج نمی‌شود. یعنی در آیین یهود بر خلاف اسلام، مرد می‌تواند با خواهر رضاعی خود ازدواج کند. (شبلی، بی تا: ص ۲۹۹)

پس می‌توان گفت چون موضوع حرمت مادر و خواهر رضاعی و دایی با خواهرزاده خود یا عمو با برادرزاده‌های خود در متن صریح تورا وجود ندارد این ازدواج‌ها در دین یهود ممنوع شمرده نشده‌اند.

۲. ازدواج با خواهر همسر خود

ازدواج با خواهر همسر نیز در صورتی که همسر وی در قید حیات باشد، ممنوع است (چنین ازدواجی حتی پس از طلاق همسر نیز حرام است)

لاویان ۱۸: ۱۸

زنی را با خواهرش نگیر که با وی همخوابگی کرده در حیات وی برایش هوو فراهم کنی.

۳. ازدواج با زن مطلقه و بیوه و زانیه

لاویان ۲۱: ۷

زن فاحشه و زنی را که دارای شرایط اختصاصی نباشد نگیرند و زنی را که از شوهرش طلاق گرفته باشد اختیار نکنند چون (آن کوهن (کاهن)) برای خداوندش مقدس است.

لاویان ۲۱: ۱۴

با اینها ازدواج نکند: زن بیوه، طلاق گرفته، زنی که دارای شرایط اختصاصی نیست و زن فاحشه. مگر اینکه با دختر باکره‌ای از قومش ازدواج کند.

لاویان ۱۳: ۲۲

و دختر کوهنی (کاهنی) که بیوه شود یا طلاق بگیرد و بچه‌ای نداشته باشد و مثل زمان



نوجوانیش به خانه‌ی پدرش برگردد از نان (مقدس) پدرش بخورد و هیچ بیگانه‌ای (غیر کوهن) از آن نخورد.

حزقیال ۴۴: ۲۲

و زن بیوه یا مطلقه را به زنی نگیرد، بلکه باکره‌ای که از ذریه خاندان اسرائیل باشد یا بیوه‌ای که بیوه کاهن باشد بگیرند.

هر چند ظاهر آیات مذکور در مورد ممنوعیت ازدواج با هر زن مطلقه است و تفسیری در ذیل آن یافت نشد، ولی با توجه به آیات دیگر کتاب مقدس و آنچه که از نوشته‌های خود یهودیان و دیگران بر می‌آید، واضح است که ممنوعیتی برای ازدواج زن مطلقه نیست.

مانند (تثنیه ۲۴: ۲) از خانه او روانه شده، برود زن دیگری شود.

و متن‌هایی مانند (... شوشانا هم به عنوان یک یهودی مؤمن تا زمان طلاق حق ندارد با مرد دیگری آشنا شده و یا مجدداً ازدواج کند.) (قوانین سنگین یهود برای طلاق و زنان در بند/ www.yjc.ir/fa/news/4829671)

و یا ... اموری مانند شیوع مصرف مواد مخدر، به دنیا آوردن فرزندان متعدد و یا رواج سیستم تک فرزندی، شاغل شدن زنان، شیوع روابط خارج زناشویی، طلاق و این اواخر ازدواج مجدد مطلقه‌ها، ... (انجمن کلیمیان تهران، پنجره دانایی)

البته در بعضی از مقالات اینگونه ذکر شده «ممنوعیت ازدواج با زن مطلقه برای شوهر سابقش»

و با توجه به (تثنیه ۲۴: ۴-۱) وجود این قیود قابل پذیرش است.

۱. هرگاه مردی زنی بگیرد و با او ازدواج کند چنین مقرر است، اگر چیز ناپسندی در او بیابد و در نظرش پسندیده نیاید و برایش طلاق‌نامه‌ای نوشته به دستش بدهد و ازخانه‌ی خود بیرونش کند ...

۲. و (آن زن) از خانه‌ی او بیرون آمده و برود همسر مرد دیگری شود ...



۳. شوهر اخیر هم از او متنفر شده و (او هم) برایش طلاق‌نامه‌ای بنویسد و به دستش بدهد و او را از خانه‌ی خود روانه کند، یا شوهر اخیر که او را به زنی گرفته است بمیرد؛

۴. (در این صورت) شوهر اولیش که او را طلاق داده بود نمی‌تواند پس از آن که (آن زن) قانوناً (نسبت به وی) ناپاک به حساب آمده است برگشته او را بگیرد که (دوباره) همسر وی شود؛ زیرا در حضور خداوند کار ناپسندی است

در ترجمه‌ای که از کتاب مقدس در سایت انجمن کلیمیان تهران قرار داده شده، ذکر شده «علمای یهود از این آیه‌ها چنین نتیجه گرفته‌اند که ممکن است دو مرد از این راه اقدام به مبادله‌ی زنان خود کنند که کاری است ناپسند و این دستور برای جلوگیری از آن عمل ناپسند صادر شده است.»

دیدگاه یکی از مسیحیان به نام David Servant پیرامون این مسئله:

آیا این آیه نشان می‌دهد که ازدواج دوباره برای تمام زنان بنی اسرائیل گناه است یا اینکه برای تمام مردان بنی اسرائیل ازدواج با بیوگان گناه است؟ مسلماً خیر.

در حقیقت این آیه می‌گوید که برای هیچ بیوه‌ای ازدواج مجدد گناه نیست تا زمانی که طرف مقابل او کاهن اعظم نباشد، همچنین می‌گوید هر مردی به غیر از کاهنان اعظم می‌تواند با بیوه‌ای پیمان ازدواج ببندد. قسمت‌های دیگر کتاب مقدس شرعی بودن ازدواج دوباره بیوه‌ها را تایید می‌کنند (رومیان ۳۷:۱-) و (اول تیموتائوس ۵:۱۴) را ببینید. این آیه و آیه قبلی که بررسی کردیم (لاویان ۲۱:۷) این مطلب را می‌رسانند که مردان غیر از کاهنان و کاهنان اعظم می‌توانند با زنان مطلقه و حتی زنانی که باکره نیستند، زانیه‌ها، ازدواج کنند.

مطلب دیگر برآمده از این آیه این است که زنان مطلقه و یا زانیه‌ها، می‌توانند ازدواج دوباره داشته باشند به شرطی که طرف مقابل آنها کاهن نباشد. خداوند از روی بخشندگی به زانیه‌ها و مطلقه‌ها فرصتی دیگر داده است با وجودی که بسیاری مخالف این دو گروه هستند.



خداوند چند بار «فرصت دوباره» به زنان مطلقه می‌دهد؟ آیا می‌توانیم نتیجه بگیریم که خداوند تحت شریعت موسی تنها یک فرصت به زنان مطلقه داد و به آنها اجازه داد تا تنها یک ازدواج مجدد داشته باشند؟ این نتیجه‌گیری نمی‌تواند درست باشد.

بعدها در شریعت موسی (علیه السلام) می‌خوانیم:

چون کسی زنی گرفته، به نکاح خود درآورد، اگر در نظر او پسند نیاید از این که چیزی ناشایسته در او بیابد، آنگاه طلاق نامه‌ای نوشته، بدستش دهد و او را از خانه‌اش رها کند. و از خانه او روانه شده، برود و زن دیگری شود.

و اگر شوهر دیگر نیز او را مکروه دارد و طلاق نامه‌ای نوشته، به دستش بدهد و او را از خانه‌اش رها کند، یا اگر شوهری دیگر که او را به زنی گرفت، بمیرد، شوهر اول که او را رها کرده بود، نمی‌تواند دوباره او را به نکاح خود درآورد. بعد از آن که ناپاک شده است، زیرا که این به نظر خداوند مکروه است پس بر زمینی که یهوه، خدایت، تو را به ملکیت می‌دهد، گناه می‌آور (تثنیه ۴-۲۴:۱)

توجه کنید که در این آیات تنها ممنوعیت برای ازدواج زنی که دوبار طلاق گرفته بود یا زنی که یک بار طلاق گرفته و یک بار بیوه شده بود با همسر اولش بود. هیچ چیزی درباره اینکه او با ازدواج دوم مرتکب گناه می‌شود ذکر نشده است و زمانی هم که برای دومین بار طلاق بگیرد یا بیوه شود تنها ازدواجش با همسر اولش ممنوع و غیر شرعی است.

معنای واضح و روشن این آیات این است که او می‌تواند با هر مرد دیگری (که بخواهد فرصتی به او بدهد) ازدواج کند. اگر ازدواج با مرد دیگری برای او گناه بود، دیگر لزومی نداشت که خداوند چنین فرمانی بدهد. او می‌توانست به راحتی بگوید، «افراد طلاق گرفته مجاز به ازدواج مجدد نیستند.»

به علاوه اگر خداوند به چنین زنی اجازه ازدواج مجدد را می‌دهد پس مردی که با او بعد از طلاقش ازدواج می‌کند هم مرتکب گناه نمی‌شود و اگر این زن مجاز به ازدواج برای بار سوم



است، پس هر مردی که بعد از طلاق او برای بار دوم، با او ازدواج می‌کند مرتکب گناه نمی‌شود مگر اینکه این مرد شوهر اول او باشد. بنابراین خداوندی که از طلاق متنفر است، افراد طلاق گرفته را دوست دارد و به آنها فرصت دوباره می‌دهد.

در اینجا آنچه تاکنون گفته شد را خلاصه می‌کنم با وجودی که خداوند نفرت خود را از طلاق به طور آشکارا بیان کرد، قبل یا در طول عهد قدیم هیچ اشاره‌ای نکرده است مبنی بر اینکه ازدواج دوباره گناه است. تنها دو استثنا در این مورد وجود دارد

۱- زنی که دوبار طلاق گرفته و یا یک بار طلاق گرفته و یک بار هم بیوه شده نمی‌تواند با همسر اول خود ازدواج کند و ۲- زن مطلقه نمی‌تواند با کاهن ازدواج کند. علاوه بر این خداوند هیچ‌گاه نگفت که ازدواج با فرد طلاق گرفته گناه است مگر اینکه مردی که می‌خواهد با این زن ازدواج کند کاهن باشد. نهایت چیزی که همیشه در این باره گفت این است که حداقل این نوع ازدواج بین آنها قبیح بوده

(<https://www.daviservant.com/other-languages/farsi/13-2>)

و می‌گوید: اگر مرد، زن خود را طلاق دهد و او از وی جدا شده، زن مرد دیگری بشود آیا بار دیگر به آن رجوع خواهد نمود؟ مگر آن زمین بسیار ملوث نخواهد شد؟ ... (ارمیا نبی ۳: ۱)

البته در نوشته‌ی بعضی از محققان آمده است منع ازدواج زن مطلقه و بیوه مربوط به ازدواج در ۹۰ روز پس از طلاق و مرگ همسر اوست.

د. ازدواج‌های اجباری

۱. ازدواج با برادر شوهر متوفی

با توجه به متن صریح کتاب مقدس، در آیین یهود بر ازدواج زن بیوه با برادر شوهر خود در صورتی که آن زن فرزند ذکور ندارد حکم شده است. این ازدواج «یبوم» و به این رسم «حلیصا» گفته می‌شود. (غلامی، بستان (نجفی)، تابستان ۱۳۹۶: شماره ۴۲، ص ۲۰)



(تثنیه ۲۵: ۱۰-۵)

اگر برادرانی با هم معاصر باشند و یکی از آنها بمیرد که فرزندی نداشته باشد، (و زنش هم باردار نباشد) زن آن مرده (از این خانواده) خارج نشود که همسر (مرد) غریبی گردد. برادر شوهرش با او ازدواج نموده او را برای خود به همسری بگیرد و وظیفه‌ی برادرشوهری را که برادرش مرده است، نسبت به وی به جا آورد.

چنین مقرر است، آن نخست‌زاده‌ای که بزاید بنام برادر در گذشته باقی‌بماند و نام (برادرش) از بیسرائل (اسرائیل) محو نگردد.

و اگر آن مرد نخواهد زن برادرش را بگیرد، زن برادرش به دادگاه نزد محترمین رفته بگوید: برادرشوهرم از احیای نام برادرش در بیسرائل (اسرائیل) خودداری می‌کند، نمی‌خواهد وظیفه‌ی برادرشوهری را که برادرش مرده است نسبت به من به جا آورد.

محترمین شهرش او را دعوت کرده با او صحبت کنند. ولی اگر (آن مرد باز هم) اصرار نموده بگوید نمی‌خواهم او را بگیرم...

زن برادرش در حضور محترمین، به او نزدیک شده و کفش او را از پایش درآورد و پیش وی (بر زمین) تف بیندازد و اعلام داشته بگوید: با مردی که خاندان برادرش را احیا نکند چنین عمل می‌شود.

و در بیسرائل (اسرائیل) نامش (نام برادر شوهر) «خانواده‌ی کفش کنده» گذاشته شود.

۲. ازدواج با باکره‌ای که با او زنا کرده

(تثنیه ۲۲: ۲۸-۲۹)

اگر مردی دختر باکره‌ای را که نامزد نباشد بیابد و او را گرفته، با او همبستر شود و گرفتار شوند، آنکه آن مرد که با او خوابیده است پنجاه مثقال نقره به پدر دختر بدهد و آن دختر زن او باشد، چونکه او را ذلیل ساخته است و در تمامی عمرش نمی‌تواند او را رها کند.



آیین و مراسم خاص ازدواج (الن، ص ۲۳۳-۲۲۴)

- نامزدی

یکی از وظایفی که انجام آن بر عهده‌ی هر مردی یهودی گذاشته شده ازدواج کردن و بچه دار شدن است. یهودی ای که برای تشکیل خانواده تلاشی نمی‌کند مانند کسی دانسته شده است که خونی ریخته باشد، یا صورت خدا را که همه‌ی انسان‌ها به شکل آن آفریده می‌شوند، بی‌ارج بداند و باعث شود که حضور خدا از اسرائیل رخت بریندد. گرچه پسر از ۱۳ سالگی شأنیت ازدواج دارد و در نسل‌های پیشین این سن و سال‌ها ترجیح داشته اما سن معمول ازدواج ۱۸ سال بوده است. حداکثر سن ازدواج ۲۰ سالگی بود و تأخیر نمی‌بایست از آن فراتر رود. مقامات دینی هم معمولاً بر مرد مجردی که از این سن گذشته بود فشار می‌آوردند تا خود همسری برگزیند.

تنها دلیل قابل قبول برای مجرد ماندن در تمام عمر اشتیاق فرد به وقف زندگی‌اش برای آموختن تورا بود؛ البته این امر می‌بایست با اطمینان همراه باشد که وی قادر به تسلط به هوس‌های جنسی‌اش هست؛ اما در چنین موردی مجرد نا مطلوب انگاشته می‌شود؛ زیرا داشتن بچه و «پر ثمر و زیاد شدن» از وظایفی بود که باید انجام می‌گرفت.

با فرض جدایی کامل دو جنس در جوامع یهودی سنتی جوانان یهود نمی‌توانند در روال عادی زندگی اجتماعی خویش همسر آینده خود را ملاقات کنند. معمولاً اینها توسط فرد ثالثی به یکدیگر معرفی می‌شوند که به سبب اطلاع از دو خانواده مورد نظر می‌تواند طرف مورد نظر را پیشنهاد کند...

خصیصه‌هایی که والدین در همسر آینده فرزندان مطلوب می‌دانند عبارت‌اند از اصل و نسب خوب (یخوس) چرا که افتخار خانواده‌ها به داشتن اجدادی معروف است؛ و نیز وضعیت مالی خوب در مواردی که والدین عروس ببینند که خانواده داماد از آنان انتظار خواهند داشت که به زوج جوان از نظر مالی کمک رسانند؛ از همه مهمتر داماد آینده باید یهودی درس خوانده و خدا ترسی باشد.

مرد و زن جوان برای اولین بار در منزل کسی که هر دوی آنها را می‌شناسد ملاقات می‌کنند و



اگر این ملاقات موفقیت آمیز بود باشد می تواند قبل از آنکه از ایشان خواسته شود که تصمیم شان را بگیرند دو بار دیگر نیز همدیگر را ملاقات کنند. به طور کلی چنین نامزدی هایی نسبتاً کوتاه مدت و مختصرند.

اگر هر دو موافقت کنند و مخالفتی از جانب خانواده های ایشان وجود نداشته باشد گام بعدی تنظیم نتائم است، یعنی مراسم قول و قرار که در آن دو طرف شرط ازدواج مانند جهیزیه و جریمه ی بهم زدن قرار را به تصریح قید می کنند.

اگرچه نتائم دارای اهمیت دینی نیست اما آن را با صدای بلند می خوانند و بشقاب سفالین را می شکنند. این عمل اخیر چنان که گفته اند برای اشاره به این امر است که مطابق مزمور ۱۳، یهودی می بایست حتی در مواقع شادی بسیار نیز به یاد تخریب اورشلیم باشد. شاید هم این کار برای دور کردن شیاطین بوده است.

یکی از اعتقادات عامیانه یهودی می گوید هر دختر ازدواج نکرده ای که تکه ای از آن بشقاب را به خانه ببرد، بی تردید در سال ازدواج خواهد کرد.

در میان یهودیان معاصر، نتائم جایش را به مراسم غیر دینی مهمانی نامزدی داده است و فقط در محافل سنتگرا به نتائم عمل می شود.

- ازدواج

مراسم عروسی یهودی دارای دو قسمت است که زمانی از هم مجزا بودند اما سرانجام به یک آیین تبدیل شده اند. نخست قدوشین پیمانی است مربوط به آغاز زندگی و زن و مرد با این عقد به ازدوج هم در می آیند و برای از بین رفتن آن باید طلاق صورت بگیرد؛ اما زندگی کردن آن دو با هم را به عنوان زن و شوهر مجاز نمی کند.

پس از این حوپا یا قبه است که نماد ورود عروس به خانه ی داماد است و فرایند ازدواج با آن پایان می پذیرد.

تربیت وقایعی که پیش از خود آیین ازدواج صورت می پذیرد از این قرار است که در شنبه قبل



عروسی داماد در کنیسا دعوت می‌شود تا بخش‌هایی از کتاب مقدس را بخواند. وقتی که داماد خواندن را به پایان برد با فریاد «خوشبخت باشی» به او تبریک می‌گویند. از اینجا به بعد برای جلوگیری از حمله شیاطین به داماد، او از تنها بیرون رفتن منع می‌شود. (تلمود سه نوع از اشخاصی را که می‌بایست در مقابل شیطان محافظت شوند بر شمرده است: بیمار، داماد، عروس)

- روز عروسی

مرسوم است عروس و داماد روز عروسی شان از سحر تا پایان مراسم روزه بگیرند. در خلال نمازهایی که می‌خوانند به گناهانشان اعتراف می‌کنند.

پیش از مراسم ازدواج نوبت آماده کردن سند کتوبا و امضای آن توسط دو شاهد است. کتوبا در واقع عقد ازدواج به معنای واقعی آن نیست، بلکه صرفاً قید کردن این نکته است که اگر روزی شوهر زن را طلاق دهد باید نفقه‌ای بپردازد و خلاصه‌ای از وظایف شوهر در امر ازدواج را بازگو می‌کند.

هیچ زوجی مجاز نیست بدون داشتن کتوبا به عنوان زن و شوهر زندگی کنند و اگر کتوبا گم شود باید سند جدیدی تنظیم شود.

پس از آماده شدن کتوبا داماد به اتاقی که عروس در آن به انتظار نشسته است می‌رود و پیش از آنکه پدر و پدرزنش او را به قبه عروسی ببرند، صورت عروس را می‌پوشاند. داماد در زیر قبه عروسی رو به اورشلیم می‌ایستد و خاخام و پیش‌نماز در مقابل او قرار می‌گیرند.

عروس توسط پدرش یا مادر و مادر شوهرش که گاه شمع‌های روشنی در دست دارند، به قبه عروسی آورده می‌شود. ورود عروس با موسیقی و آواز همراه است.

در بعضی از جوامع عروس پیش از آنکه در کنار داماد جای بگیرد سه بار یا هفت بار دور داماد می‌چرخد. پیش‌نماز که اغلب صدای خوبی دارد تبریکاتی را خطاب به عروس و داماد به آواز می‌خواند.

اصل مراسم ازدواج از این لحظه شروع می‌شود. جام شرابی ریخته می‌شود و خاخام مسئول



دعای برکت بر آن آواز میخواند.

بعد از آنکه داماد از شراب یاد شده می‌چشد حلقه‌ی طلای ساده‌ی مخصوص ازدواج را بر گرفته و در پیش دو شاهد آن را به انگشت سبابه‌ی دست راست عروس می‌کند و در همان زمان این جمله را بیان می‌کند «هان! تو برای من با این حلقه و مطابق شریعت موسی. قانون اسرائیل حلال می‌شوی» قبول حلقه از جانب عروس علامت تمایل او به ورود به پیمان ازدواج با داماد است.

پس از آن و در ادامه سند کتوبا با صدای بلند و به زبان آرامی خوانده می‌شود سپس کتوبا به عروس داده می‌شود و بخش دوم مراسم آغاز می‌گردد.

حاخام جام شراب دیگری می‌گیرد و بر آن دعای برکت می‌خواند و سپس برکت‌های هفت گانه را به صورت آواز می‌خواند.

یک بار دیگر داماد و عروس از جام شراب می‌نوشند و آنگاه داماد شیشه‌ای را با پا می‌شکند و فریاد خوشبخت باشید مهمانان به آسمان می‌رود.

این کار در عین حال که اقدام پیشگیرانه در مقابل شیاطین است، نوعی سوگواری برای خرابی معبد اورشلیم است که حتی در شادی‌های بزرگ نیز گویی فراموش نمی‌شود. (مزمور / ۱۳۷)

بلافاصله بعد از حوفا عروس و داماد را به اتاقی راهنمایی می‌کنند تا در آنجا با یکدیگر خلوت کنند (بیحود). از آنجا که خلوت کردن داماد و عروس نشان دهنده‌ی وضعیت جدید ازدواجی آن‌هاست، چرا که بیحود در حال عادی ممنوع است، دو شاهد ازدواج باید اطمینان پیدا کنند که آنها واقعا تنها هستند.

عروس و داماد از این فرصت معمولا برای پایان روزه خود استفاده می‌کنند. اینک دیگر نوبت ضیافت یا ولیمه عروسی است. در خلال ضیافت عروسی میهمانان بر گرد عروس و داماد به رقص می‌پردازند و نیز با خود عروس در حالی که روسری‌ای بین آنها در دست گرفته می‌شود (یعنی تماس بدنی با هم ندارند)، می‌رقصند و ترانه شاد می‌خوانند.



در بیشتر مراسم ازدواج یهودیان سخنرانی نیز از بخش های اساسی است.

در پایان غذا، شکرانه مخصوص خوانده می شود و به دنبال آن تبرکات هفت گانه ی ازدواج دوباره بر جای از شراب می خوانند. برای خواندن تبرکات ازدواج ضرورت دارد که مینیان یا حد نصاب ده مرد، حضور به هم رسانند و نیز باید یکی از میهمانان «جدید» باشد، یعنی کسی که در خود مراسم ازدواج حضور نیافته است. در طول یک هفته پس از ازدواج هر شب عروس و داماد را به میهمانی دعوت می کنند. این سورها به برکات هفتگانه مشهورند.

از آنجا که در میان یهودیان اجرای رسم ماه غسل بلافاصله پس از ازدواج کم کم پا می گیرد، سورهای یاد شده تنها در میان سنت گراها باقی مانده اند.



نتیجه بحث

با توجه به اینکه در نظر یهودیان تنها راه مشروع و مورد تایید برای ازدیاد نسل، ازدواج بر طبق شریعت موسی است، این مسئله از منظر کتاب مقدس امری مهم و پسندیده، بلکه لازم و تاکید شده می باشد.

با توجه به اهمیت و جایگاه ازدواج احکام و قوانینی در کتاب مقدس (یهود) بیان شده است. با آن که نظرات مخالفی در این رابطه بیان شده ولی با توجه به آنچه در این تحقیق ارائه شد معلوم می گردد یهودیان نیز دیدگاهی شبیه مسلمانان به بحث ازدواج دارند و می شود گفت تا حدود زیادی کلیات و اهداف و حتی احکام مربوط به این مسئله بین شریعت اسلام و یهودیت یکسان است؛ اما از آنجا که اسلام به عنوان کامل ترین دین، بهترین برنامه و قوانین را برای به سعادت رسیدن بشر دارد به این مسئله و تبعات آن دقت بیشتری دارد.



منابع و مأخذ

۱. اشتاین سالتز، آدین، ۱۳۸۳، سیری در تلمود، ترجمه باقر طایبی دارابی، تهران، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب
۲. الن، انترمن، باورها و آیین‌های یهودی، ترجمه رضا فرزین، قم، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، ۱۳۸۵
۳. هاکس، جیمز، قاموس کتاب مقدس، تهران، اساطیر، ۱۳۷۷.
۴. هیلنز، جان آر، فر، فرهنگ ادیان جهان، سرویراستار: ع. پاشایی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، ۱۲۸۵
۵. حرعاملی، محمدبن حسن، ۱۳۶۷، وسائل الشیعة، تصحیح و تحقیق عبدالرحیم ربانی شیرازی، تهران، مکتب الإسلامیة.
۶. دکتر لاله بور، رامین، شخصیت، وظیفه و مقام زن، نشریه افق بینا، تابستان ۹۲.
۷. دلرحیم، رحمن، نشریه افق بینا، ازدواج و مقام زن از دیدگاه تورا و کتب مقدس یهود، شماره ۳۵، پاییز ۱۳۸۷
۸. دهخدا، علی اکبر، ۱۳۳۷، لغت نامه، تهران، دانشگاه تهران.
۹. شبلی، احمد، مقارنه الادیان (بخش یهود)، قاهره: مکتبه الله صة المصریه، (بی تا)
۱۰. غلامی، علی؛ بستان (نجفی)، حسین، ترسیم فرجام شناسانه مسیحی و یهودی و قرابت پذیری آن با جایگاه خانواده، مشرق موعود، تابستان ۱۳۹۶، شماره ۴۲.
۱۱. قدمی هاجر خاتون، زن در آیین یهود، کتاب ماه دین، شهریور ۱۳۹۱
۱۲. محمدیان، بهرام و دیگران، دایره المعارف کتاب مقدس، انتشارات سرخدار، ۱۳۸۱.

